

یکشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۳

0184

شماره ۴۲۸۱

0184

FARHIKHTEGANDAILY.COM

0184

FARHIKHTEGANONLINE

# سری جدید «شام ایرانی» ترکیبی از مافیا، برنامه آشپزی و دورهمی خانوادگی و دوستانه است... قیمه دورهمی توماست مافیا



مریم فضائی

خبرنگار گروه فرهنگ

اوایل دهه ۹۰، زمانی که سی‌دی هنوز رایج بود، شبکه نمایش خانگی تولیدات خود را در قالب سی‌دی عرضه می‌کرد. مردمی که به دنبال محتوای متنوع‌تری از تولیدات تلویزیونی بودند، در سبب فرهنگی‌شان،

### بهانه‌ای برای دورهم بودن

شام ایرانی هم خودش یک کپی از برنامه‌ای خارجی به نام «بیا با من شام بخور» (Come Dine with Me) است. این برنامه برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ منتشر شد تا خلأ درونی‌گرایی مردم بریتانیا را پر کند و آنها را به صرف شام با یکدیگر دعوت کند. این برنامه از روی یک نظرسنجی ساخته شده، هدفش کاهش نرخ افسردگی و انزوای افراد بود و تلاش شد تا با نشان دادن روابط اجتماعی و گپ‌وگفت‌های دوستانه این کار را انجام دهد. در این شکل از برنامه، هرکدام از چهار سرآشپز آماتور که در یک منطقه زندگی می‌کنند، یک مهمانی شام با سه وعده غذایی برگزار می‌کردند. در انتهای برنامه، دیگر شرکت‌کنندگان به میزبانی و مهارت پخت غذای فرد مقابلشان امتیاز می‌دادند. در پایان هر فصل، فردی که بیشترین امتیاز را گرفته بود، برنده ۱۰۰۰۰ پوند می‌شد.

این سبک برنامه در کشورهای زیادی الگو قرار گرفت و هر کشور، متناسب با فرهنگ و شرایط خودش، نسخه‌ای از آن را کپی، ساخته و پخش کرد. از جمله کشورهایی که این برنامه در آنها پخش شده می‌توان به استرالیا، بلژیک، کانادا، کرواسی، چک، استونی، دانمارک، فرانسه،

### کپی نابرابر اصل

در هنر جمله‌ای وجود دارد که می‌گوید «کپی درست، خودش یک هنر است». در دنیای برنامه‌سازی هم این موضوع به‌تکرار دیده می‌شود. ساخت برنامه‌های کپی، لزوماً با معنای بد بودن نیست. بلکه کپی‌ت‌نادرست باعث می‌شود که یک برنامه موفق نتیجه مثبت و باب میل عوامل برنامه ندهد. شاید مهم‌ترین موضوع در کپی کردن از یک برنامه خارجی، تطبیق با فرهنگ و جامعه باشد. این مرحله، همانند دوختن لباسی بر تن جامعه است. لباسی که اندازه و رنگ مناسب نداشته باشد، نه‌تنها زیبایی ندارد بلکه ممکن است حتی به بدن آسیب هم برساند. ساده‌ترین و مهم‌ترین راه برای اینکه متوجه شویم یک برنامه کپی نتیجه داده یا نداده، میزان مخاطبانش است. برنامه‌ای که با فرهنگ و ارزش‌های جامعه همخوانی نداشته باشد، مخاطبان آن را پس می‌زنند و به دنبال

### بازگشت شام ایرانی

بعد از ۴ سال، شام ایرانی دوباره در پلتفرم فیلمو منتشر شده است. البته اینکه از این برنامه انتظار داشته باشیم تا مانند سری‌های قبلی حداقل شبیه به اسمش باشد، انتظار زیادی است. این برنامه با نام شام ایرانی، اما ترکیبی از مافیا، آشپزی و دورهمی شده است و آتش شلم‌شوریایی ساخته که پسندیدن این برنامه را سخت کرده است. فعالیت‌های تنوع و بی‌ریط کاری کرده که حق هیچ کدام از این فعالیت‌ها به جا نمی‌آید. اینجاست که صرف کپی کردن، کار را خراب می‌کند. ساخت چنین برنامه‌ای بدون آنکه هدف مشخص و از پیش تعیین شده‌ای داشته باشیم، برنامه‌ای ضعیف خلق می‌کند. برنامه‌ای که در ظاهر جذاب است و مخاطب دوست دارد آن را ببیند، اما در اصل با دیدن برنامه نظرش عوض می‌شود.

### شام ایرانی؛ تلنگری برای نقد خود



حدیث ملاحسینی

خبرنگار

برنامه «شام ایرانی» به عنوان یک ژانلیتی‌شو، ممکن است در نظر برخی مخاطبان آنچنان بی‌محتوا و دم‌دستی باشد که هرگونه تأمل و تحلیل پیرامون آن را ناممکن و یا گزافه بدانند. از دیدگاه این افراد، زندگی روزمره و هرآنچه که به آن مربوط است همانی است که در نگاه اول به چشم می‌آید و اساساً لایه‌های متعددی برای آن وجود ندارد. اما واقعیت این است که چنین تصویری اشتباه است و پرخاسته از یک نوع کوته‌نظری و ساده‌انگاری است؛ چراکه هر لحظه زندگی روزمره که برای ما بسیار بدیهی است و با آن خوگرفته‌ایم، می‌تواند حاوی بی‌نهایت نکته باشد. بنابراین، چنین برنامه‌ای با وجود همه کاستی‌ها و تقد‌هایی که به آن وارد است، دارای نکات و مسائل جالب توجهی است که شاید خالی از لطف نباشد به آن هابیزدایم. در وهله اول، باید به این مطلب اشاره کنیم که ژانلیتی‌شوهای اغلب افراد غیرمشهور و نابازیرگر را مقابل دوربین می‌آورد؛ به همان شکل و روایی که در نسخه‌های خارجی و ماهواره‌ای شام ایرانی شاهد بودیم. اما در این برنامه، چنین قاعده‌ای شکسته شده و از بازیگران مشهور استفاده شده

سری جدید «شام ایرانی» ترکیبی از مافیا، برنامه آشپزی و دورهمی خانوادگی و دوستانه است...

تولیدات نمایش خانگی را هم قرار دادند. یکی از تولیدات

شبکه نمایش خانگی، مجموعه ویدئویی به نام شام ایرانی بود. مجموعه‌ای که رقابت چهار نفر در بزرگزاری یک مهمانی را نشان می‌داد و در نهایت با امتیاز خود شرکت‌کنندگان، برنده مشخص می‌شد. حالا شام ایرانی، بعد از گذشت چهار سال، دوباره شروع به تولید و پخش کرده است؛ اما این بار، ضعیف‌تر از سری‌های قبل.

آلمان، یونان، مجارستان، ایرلند، مالزی، هلند، نروژ، لهستان، روسیه، اسلواکی، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، ترکیه، انگلستان، آمریکا و... اشاره کرد. این حجم از پخش یک برنامه در دنیا، اتفاقی قابل توجه است و نشان می‌دهد که این برنامه پتانسیل زیادی برای کار دارد. علاوه بر اینکه این برنامه در سال‌های طولانی و در کشورهای مختلف دنیا پخش شد، الگویی برای ساخت دیگر برنامه‌های تلویزیونی نیز قرار گرفت، ازجمله برنامه‌هایی مانند Couples Come Dine with Me (زوج‌ها بیا با من ناهار بخورند)، Celebrity Come Dine with Me (سلبریتی‌ها بیا با من شام بخورند) و The Come Dine with Me: Professionals (بیا با من شام بخور: حرفه‌ای‌ها). تفاوت این برنامه‌ها با هم در شرکت‌کنندگان آن است و در ساختار اصلی برنامه تغییرات کمی صورت می‌گرفت.

یکی از ارکان اصلی و قابل توجه نسخه اصلی، داشتن راوی است. از نظر منتقدان خوری از دو تهیه‌کننده به‌فرمایید شام منوتو، تیم خاطره‌انگیزترین ویژگی‌های این برنامه است. دیو لمب، گوینده این

مسابقه است و لحن و صدایی متمایز دارد. این گوینده از همان ابتدا که این برنامه شروع به پخش شد، ثابت مانده و این نشان از استقبال مردم از صدای لمب دارد. در پاییز سال ۱۳۹۸، شبکه فارسی‌زبان منوتو اقدام به ساخت نسخه ایرانی این مجموعه پرطرفدار بریتانیایی با نام «بفرمایید شام» کرد. شبکه منوتو که بیشتر تولیداتش با تمرکز روی موضوع سبک زندگی بود، حق ساخت و پخش برنامه را از شبکه آی‌تی‌وی (ITV) انگلیسی دریافت کرد. رویکرد شبکه منوتو برای ساخت این برنامه، در ظاهر مشابه مدل اصلی برنامه بود؛ چهار شب و چهار میزبان که در انتها با امتیاز شرکت‌کنندگان، برنده مشخص می‌شد. ساده‌لوحانه است اگر این برنامه را صرفاً به یک برنامه آشپزی محدود کنیم؛ چراکه شبکه آی‌تی‌وی (ITV) که طراح اصلی این برنامه است در سایت خود اعلام کرده که برای ترویج سبک زندگی به تولید این برنامه می‌پردازد و قطعاً این شبکه به نشان دادن غذا و دستپخت ایرانیان بسنده نخواهد کرد. برنامه «بفرمایید شام» در خانه‌های افراد فیلمبررداری می‌شد و

ایرانی با نگاه ملی و میهنی ساخته شد، ولی این کار را از قسمت هشتم به بعد از من گرفتند و چیز دیگری شد. در همان دو فصل ابتدایی این برنامه، حضور سلبریتی‌ها یکی از دلایل بسیار مهم در موفقیت این برنامه شمرده شد. حتی باعث شد که سال‌ها بعد از شبکه نسیم نشان داده شود. بیرنگ «خانه سبز» را الگوی خودش برای ساخت شام ایرانی قرار داد. اما به گفته خودش: «تهیه‌کننده فکر می‌کرد با اشخاص دیگر کار کند بیشتر می‌خاندند و به پول بیشتری می‌رسد، ولی این اتفاق نیفتاد.»

محمد شایسته در سال ۱۳۹۲، به عنوان دومین کارگردان وارد این مجموعه شد. او با استفاده از بازیگران کم‌دی تلاش کرد تا تولیداتش به سمت و سوی طنز و خنده برود. شایسته بعد از ساخت ۳ فصل، از مجموعه کنار گذاشته شد و سکان این کار به دست سروش صحت

امیرعلی نویبان، یکی از بازیکنان شناخته‌شده بازی مافیا همراه با همسرش رخ داد. جدا از اینکه جای بازی مافیا در شام ایرانی نبود، اختصاص دادن حدود ۲۰ دقیقه به مافیا در اواسط برنامه، باعث کند شدن ریتم این ژانلیتی‌شو شد.

یکی دیگر از اصلی‌ترین تفاوت‌های این برنامه با نمونه‌های دیگری، حضور دو داور بین‌المللی در هنگام سرو شام است. اگر شام ایرانی، یک برنامه مختص به آشپزی بود، حضور داوران نه‌تنها دور از ذهن نبود، بلکه یکی از بایده‌های برنامه به حساب می‌آمد. اما در این فصل از شام ایرانی که مراحل پخت و سرو غذا عملاً نادیده گرفته شده، برای مخاطب سوال ایجاد می‌شود که داوران قرار است به چه چیزی امتیاز بدهند. برخلاف نمونه اصلی این برنامه، در نمونه‌های



دکوراسیون خانه قبل از آنکه فردی بخواهد درباره علایق و اعتقاداتش صحبت کند، روی ذهن مخاطب تأثیر می‌گذاشت. مهمانان به رسم ادب هنگام ورود به خانه همدیگر، طبق فرهنگ و آداب و رسوم زندگی غربی برای یکدیگر نوشیدنی الکلی می‌آوردند. برخورد دو شرکت‌کننده خانم با دو شرکت‌کننده آقا، نوع پوشش افراد، طرز رفتار و معاشرت شرکت‌کنندگان و همچنین اصطلاحات غیر فارسی که در کلام آنها به‌طور ناخودآگاه به کار برده می‌شد، عموماً آبراس سبک زندگی غربی است. به‌طور کلی، منوتو با برنامه «بفرمایید شام»، قبح‌زدایی انجام داد. حتی بی‌اخلاقی، دروغ‌گویی و غیبت‌هایی که شرکت‌کنندگان انجام می‌دادند، هم به این موضوع مرتبط بود. عادی‌سازی هرگونه رفتاری که در عرف و شرع ما ایرانیان به عنوان رفتار ناپسند یاد می‌شود. «بفرمایید شام» تا رومستان سال گذشته هم پخش می‌شد و مخاطبان خاص خودش را داشت، اما یکی از ایرادهای اصلی به این برنامه در فضای مجازی همسان بی‌اخلاقی‌هایی بود که ذکر شد و مورد انتقاد بسیاری از مردم قرار گرفت.

افتقاد. صحت هم به تبعیت از دیگر کارگردانان، باز از سلبریتی‌ها استفاده کرد و رویکرد خودش را در تولید دو فصل لحاظ نمود. از فصل نهم، سکان کارگردانی و تهیه‌کنندگی شام ایرانی به دست سعید ابوطالب افتاد. او که در کارنامه‌اش برنامه‌هایی با محوریت ژانلیتی‌شو دیده می‌شد، توانست ۸ فصل دیگر شام ایرانی را بسازد. ابوطالب رویکردی متفاوت از دیگر کارگردان‌ها انتخاب کرد. او خواست تا شام ایرانی را بهانه‌ای برای آشنا کردن با دیگر فرهنگ‌ها کند. در ابتدا این برنامه مورد استقبال قرار گرفت، اما از جایی به بعد، با تکراری شدن برخی از مهمان‌ها، شوخی‌های سطحی و بسنده کردن روی موضوع غذا خوردن چهار فرد شناخته‌شده، مخاطبان از شام ایرانی دلسرد شدند. از جایی به بعد، ابوطالب تمام تمرکش برای ساخت شام ایرانی خرج نشد و به سراغ برنامه شب‌های مافیا هم رفت.

ایرانی راوی وجود ندارد. راوی با صحبت‌هایش روی برنامه، می‌تواند واسط مخاطبان و عوامل برنامه باشد. به نوعی او خدای کل است و به خاطر اینکه از کل فرایند برنامه خیر دارد، می‌تواند فضای خالی بین صحبت‌های شرکت‌کننده‌ها را با صحبت‌های جذاب پر کند. در این فصل از شام ایرانی، امیر کرپلایی زاده به عنوان مجری حضور پیدا کرده و این هم تفاوت دیگر این برنامه با نسخه اصلی‌اش است. درواقع ما با یک برنامه کاملاً بلا تکلیف روبه‌رو هستیم و نمی‌توانیم در حال تماشای شام ایرانی هستیم یا مافیا و یا مسابقه‌ای تخصصی در حوزه انتخاب بهترین سرآشپز! این فصل از شام ایرانی همه این‌ها را دارد اما در عین حال هیچ‌کدامشان نیست و همین احتمالاً باعث می‌شود تا مورد توجه مخاطبان قرار نگیرد.

که باز هم نمی‌توان چنین توقعی را از این دست برنامه‌ها داشت؛ چراکه اگر بنا باشد چنین خرق عادت‌هایی صورت بگیرد، ژانلیتی‌شوها از آن معنای عرفی‌شان تهی می‌شوند و تغییر ماهیت می‌دهند؛ امری که شاید برای سازندگان آن‌ها نقض غرض باشد و حتی خوش‌نداننده که تریون تغییرات و انقلاب فرهنگی باشند.

شام ایرانی، با وجود تفاوت‌هایی که با زندگی روزمره و جاری خودمان دارد، بدون شک شباهت‌های قابل توجهی هم دارد. به همین جهت، می‌توان با تک‌تک کنش‌ها و واکنش‌های بازیگران همدلی و همذات‌پنداری رادر علاوه بر این، همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، زندگی روزمره در نظر ما امری بدیهی است و چنان‌به‌تک‌تک عناصر آن مانوس شده‌ایم که گویی در نظرم‌ان نامرئی است. اما برنامه‌ای همچون شام ایرانی، با در معرض گذاشتن فرهنگ و عادت‌واره‌های ایرانی، آن زندگی روزمره نامرئی رادر نظرم‌ان آشکار می‌سازد و از بدیهیات بدهات زدایی می‌کند. بدین سبب، اگر در لحظاتی از مزه‌پزهای ایرانی بازیگران کلافه می‌شویم و در نظرم‌ان عملی سبک‌مغزانه می‌نماید، شاید این همان آینه‌ای از زندگی روزمره خودمان است که پیش چشممان جان گرفته و ای بسا همان تقد‌ها به خودمان و کنش‌هایمان وارد است.